

## ایران که مهین ملک آریاست

ارث پدر و زادگاه ماست  
گسترده به هر سوی تا سماست  
یا معدن فیروزه و طلاست  
خاکش، چو زر و سیم، پُربهاست  
هم جنگل و دریاش دل‌گشاست  
تاریخ جهان برترین گواست

\*\*\*\*\*

فخر و فر تو، فخر و فر ماست  
با نام عزیز تو آشناست  
در پیش تو، پشت فلک دوتاست  
غم نیست، تو را نوح، ناخداست  
وز درد، گرم پیرهن قباست  
بیماری این ملک را دواست  
از مسکن‌تاش روی در غناست  
میراث زن از کیست؟ از نیاست

\*\*\*\*\*

کامروز وطن غرقه‌ی بلاست  
نقشی‌ست که امروز برملاست  
کت حکم به هر مملکت رواست  
چیره به همه خلق آسیاست  
ملت ز چه محکوم اشقیاست  
سعی و عمل خلق بر هباست  
این تیرگی امروز از کجاست  
این ابر سیه‌فام تیره خاست  
از چیست در این مملکت به‌پاست  
این نقشه همه نقشه‌ی سیاست  
یک روز گرفتار کودتاست

ایران که مهین مُلک آریاست  
از زیر زمین خوان نعمت‌اش  
یا مخزن سرشار نفت و گاز  
وز آن همه سرسبزی و صفا  
هم کوه و کتل‌هاش جان‌فزا  
بر عزت و بر شوکت و فرش

ای میهن پُر افتخار من  
مرد و زن دنیا به شرق و غرب  
از بس که بلند است قامتت  
دور است اگر ساحل نجات  
از رنج، گرم، روی زرد شد  
زودا که به داروی هوش و عقل  
وین کشور زرخیز عاقبت  
مرد از که برد ارث؟ از پدر

دردا و دریغاً و حسرتاً  
وین فتنه که کردند ناکسان  
ای بار خدایا مهیمنا  
از چیست اروپا ز حرص و آز  
دولت ز چه در دست ظالمان  
وز چیست کزین سفلگان دون  
و اندر افق روشن وطن  
وز چیست بر این روشن آسمان  
یا این همه آشوب و کین و جنگ  
بینم نه یکی نقطه‌ی سپید  
یک روز به غرقاب انقلاب

مشتی ز چه غارت کنند خلق  
بس خواجه که محتاج نان شب  
در زیر زمین بس ذخایر است  
یک گوشه حریر است و خواب ناز  
آثار جهالت چرا فزود  
وین قهر و خشونت در این محیط  
آزاده، گُرفتار و دردمند  
خورده است ز بس حق مردمان  
بدخواه کتاب و جراید است  
گویند کز اسلام این سزد  
بالله که نه این حکم ایزد است  
حقا که نه این کیش احمدیست  
بالله که نه قرآن، نه سنت است  
نی مکتب فرزندگان دهر  
مرضی خدا و رسول نیست  
نه حکمت سلمان فارسیست  
بالله که نه تقدیر آسمان  
باید که به نیروی مردمی  
زیرا که به احکام عقل و نقل  
فرداست که ایرانی غیور  
وین پرچم و این کاویان درفش  
ای نسل سرافراز آریا  
برخیز و شبیخون به خصم زن  
با مادر پیر وطن، بمان  
در دست امین دست خود نهید

خلقی ز چه بی‌کار و بی‌نواست  
بس سفله که سیر و پُراشتهاست  
بر روی زمین هر کجا گداست  
یک بیشه، فقیر است و بوریاست  
بازار حقیقت چرا بکاست  
بر مردم ایران چرا سزاست  
هر دون صفتی، شاد و کدخداست  
دیگر نه که افعیست، ازدهاست  
هم خصم تئاتر است و سینماست  
وین گفته به چشم اندرم خطاست  
والله که نه یزدان بدین رضاست  
الحق که نه این دین مصطفیست  
نه عقل، نه اجماع اصفیاست  
نی مذهب و میزان انبیاست  
نفرینی اوتاد و اتقیاست  
نه عدل علی شاه اولیاست  
والله که نه از گردش قضاست  
این راه کژی را کنیم راست  
ایام ستمگر نه دیرپاست  
یک بار دگر چون پدر کیاست  
اندر کف ما برترین لواست  
امروز دگر نوبت شماست  
از ما حرکت، یاری از خداست  
کز مام وطن، بهر تو دعاست  
یک دست بدانید، بی‌صداست